ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۸)، شهریور ۱۳۹۸

# تجلی عرفان در آرایگان معماری ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری

**قاسم فتاح اهر[1]*، محمدرضا ابراهیمی[2]، علی عزیزی[3]**

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹*
*تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰*
*کد مقاله: ۴۶۶۳۰*

## چکـیده

از مهم‌ترین شاخصه‌های هنر اسلامی، معماری اسلامی است که با تأثر از جهان‌بینی اسلامی، توانایی جلوه دهی عرفان و تصوف را به نحو عالی داشته است. در این میان یکی از این ساختارهای هویت‌بخش در حوزه معماری اسلامی، ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در شهر اهر است؛ مجموعه‌ای از دوران شکوفایی عرفان و تصوف در منطقه آذربایجان در قرون هفتم تا یازدهم ه. ق. این مجموعه تاریخی علی‌رغم بهره‌مندی از آرایه‌ها و تزئینات بی‌بدیل در حوزه معماری اسلامی با مفاهیم عمیق عرفانی تاکنون از بررسی–های کافی در زمینه شناخت کیفیات معماری و تجسد مضامین عرفانی آرایگانش، بی‌نصیب بوده است. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه گردآوری اطلاعات مبتنی بر بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای، کیفیت آرایگان معماری مجموعه شیخ شهاب را در ارتباط با طریقت عرفان و تطبیق آن با سلسله‌مراتب شکل‌گیری ارسن، بررسی نموده است. به‌عبارت دقیق‌تر، این پژوهش درصدد آن است با دقت در محتوای کالبدی اثر و بازخوانی مضامین و آرایگان معمارانه آن، ترابط و تلازم میان کیفیات تزئینات مجموعه با سرچشمه تفکرات عرفانی آن را بررسی نماید. با بررسی‌های انجام شده نتیجه می‌شود، مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری و آرایگان معماری وابسته آن متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی هم‌عصر خود، تجسد عینی تفکرات عرفانی آئین متصوفه از قرن هفتم تا قرن یازدهم ه. ق می‌باشد.

پرتال جامع علوم انسانی

**واژگـان کلـیدی:** هنر اسلامی، عرفان، تصوف، مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، مجموعه معماری

۱– دپارتمان علوم انسانی، دانشکده فنی و حرفه‌ای پسران شماره یک تبریز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان‌شرقی، ایران (مسئول مکاتبات) *Azar22535@gmail.com*
۲– دپارتمان ساختمان و معماری، دانشکده فنی و حرفه‌ای پسران شماره یک تبریز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان‌شرقی، ایران
۳– دپارتمان ساختمان و معماری، دانشکده فنی و حرفه‌ای پسران شماره یک تبریز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان‌شرقی، ایران

## ۱- مقدمه

در حوزه معارف معماری ایرانی ناشناخته‌های بسیاری وجود دارند، شدت این نقصان به حدی است که گاه حتی گریبان گیر خیلی از بناهای مشهور و شناخته‌شده ایرانی نیز می‌باشد. به‌طور مثال، سوژه مورد بررسی در این مقاله، یعنی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری مصداقی بر این ادعاست که علیرغم جایگاه و اعتباری که در مباحث مرتبط با معماری ایرانی برای خود کسب کرده است؛ همچنان بسیاری از ظرایف و لطایف معمارانه آن در ارتباط با آیین عرفانی دایر در آن، ناشناخته و مغفول واقع شده و شناخت این اثر را نیازمند مطالعات جامع نموده است. لیک، آنچه دغدغه اصلی برای این بررسی علمی بود، وجود ابهامات و سؤالات بنیادینی است که هر گفتمان تخصصی راجع به محتوای ارزش‌های معماری این اثر را دچار چالش نموده است، و آن عبارت است از وجود نکات مبهم درباره شناخت دلایل پیدایی و عوامل پویایی وجود کالبدی این مجموعه و نیز ارتباط هندسه اثر به همراه متعلقات تزئینی‌اش با محتوای معنوی و عرفانی مستور در هنرهای اسلامی به‌کار بسته‌شده در ارسن این مجموعه در طی اعصار. حال بر این اساس به‌طور دقیق‌تر می‌توان گفت که هدف این نوشتار تأمل و تدقق معمارانه برای شفاف نمودن نحوه تلازم و ترابط تکوین کالبدی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری با تحول مذهب و آئین‌های متصوفه در جامعه ایرانی در طی دوره‌های ایلخانی تا صفوی می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته که مسئله تحقیق در بستر تاریخی مطرح است. مواردی که در این بستر به کار گرفته می‌شود، بخشی مربوط به بنایی مطلوب در ذهن انسان ایرانی و بخشی دیگر مربوط به تمامیت کالبدی تحقق‌یافته اثر است. بدین ترتیب با روش استدلال منطقی و با گزینش روش توصیفی ـ تحلیلی به درک نسبت میان این دو بخش پرداخته می‌شود. در برخورد با متون نیز بیشتر تحلیل محتوا و تفسیر ساختار معمارانه اثر مورد پژوهش، مطلوب نظر است.

## ۲- پیشینه پژوهش

آنچه از نظر مرور ادبیات موضوع، بطور صریح در مورد ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری قابل ادعا می‌باشد آن است که در دوره معاصر، پژوهشگران حوزه مطالعات معماری ایرانی اقبال کمتری برای مطالعه و بررسی عالمانه این مجموعه تاریخی از دید ارتباط کالبد و مفهوم آرایگان منتسب به تزئینات متعلقه مجموعه با حکمت معنوی جاری در آن، از خود نشان داده‌اند. که این نقصان پژوهشی، ابهاماتی را در بازشناخت کیفیات دوره‌های تاریخی و مفاهیم عرفانی مستتر در آن، متصور کرده است. در حالیکه این مورد در خصوص برخی ابنیه با کارکرد مشابه در منطقه ـ همچون مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی یا بقعه شیخ امی‌الدین جبرئیل ـ کمتر دیده می‌شود. بر این منوال، برای رفع این خلاء معرفتی، جستار حاضر به جستجو، جمع‌آوری و سازماندهی مدارک و اسناد مختلف و ارزیابی آن‌ها در راستای پاسخگویی به ابهامات مطروحه می‌پردازد.

## ۳- مروری بر زندگانی شیخ شهاب‌الدین اهری

بنا به اقوال تاریخی، عارف نامی، محمود اهری‌تبریزی ملقب به شیخ شهاب‌الدین، در نیمه دوم قرن ششم هجری‌قمری در "بلده اهر از بلاد آذربایجان از توابع مدینه تبریز"[۱] متولد شد و پس از یک حیات پربار معنوی، در نیمه دوم قرن هفتم هجری‌قمری چشم از جهان فرو بست[۲]. شیخ شهاب‌الدین از مشاهیر مشایخ تصوف در قرن هفتم و از بزرگان طریقه شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود، مع‌الأسف در کتب تذکره و تراجم، کمتر ذکری از احوال وی یافت می‌شود و لذا از زندگی و آثارش اطلاع کاملی موجود نمی‌باشد[۳]. شاید دلیل این نقصان، میل به گمنامی و ناشناسی باشد که بسیاری از صوفیان مقید به آن بودند. با این وجود مشهور است که وی تحصیل علم را در زادگاه خویش آغاز کرد و تا حدود بیست سالگی در مکتب درس علمای همان منطقه

---

۱ــ در وقفنامه ربع رشیدی که از متون متعلق به قرن هفتم ه.ق است(روزگار حیات شیخ شهاب‌الدین اهری)، شهر اهر با این عناوین خطاب شده است.

۲ـ برای شناخت تحلیلی از تاریخ تولد و وفات شیخ شهاب‌الدین، ر.ک به: «احوال و آثار اوحدالدین کرمانی» اثر دکتر محمد وفایی، ص ۱۲۹.

۳ــ "از زیست‌نامه وی [شیخ شهاب‌الدین اهری]، آگاهی مفصل و جامع در دست نیست و هر چه درباره او نوشته‌اند، برگرفته از اطلاعات پراکنده و گسیخته‌یی است که از وی در سرچشمه‌های تصوف و تاریخ موجود است" (ایمانی، ۱۳۸۲، ص۸۰). مانند نظر مؤلف کتاب «روضات‌الجنان» که نسب شیخ شهاب‌الدین اهری را متعلق به خاندان عتیقی تبریز می‌داند (ابن‌کربلایی، ۱۳۸۳، ج ۱ ص۶۰۴)؛ و یا مرحوم «سید جمال ترابی طباطبایی» که در کتاب «آثار باستانی آذربایجان»، شیخ شهاب الدین اهری را از اولاد شیخ شهاب‌الدین سهروردی معرفی کرده، البته وی نیز از نسب‌نامه مذکور در کتاب روضات‌الجنان استفاده نموده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۰۰، ج۲، ص۳۷۹).

تلمّذ نمود (وفایی، ۱۳۷۵، ص۱۲۷). او در این مقطع از عمر خویش جذب عالم عرفان شد و حیات دینی صوفیانه را برگزید و وجهه همت خویش را کسب معارف باطنی قرار داد. ورود به وادی طریقت، او را نیازمند راهبری راه‌شناس ساخت؛ نیازی که مقدمه‌ای بر هجرت وی از زادگاه‌اش شد(۱). او پس از ترک اهر ابتدا در تبریز و در محله سرخاب مأوی گزید و پس از مدتی به منطقه سجاس ـ از توابع زنجان ـ رفته و شیخ رکن‌الدین سجاسی را به عنوان پیر طریقت برگزید (موحد، ۱۳۸۱، ص۱۰۹). وی در خانقاه سجاس، در کسب کمالات به چنان منزلتی دست یافت که مفتخر به مرتبت قطب صوفیانه شد(۲) و پس از اخذ خرقه ارادت از دست وی با دستور استاد، برای ارشاد خلق به زادگاه‌اش اهر باز گشته و خانقاهی در آنجا برپا نمود(۳)؛ خانقاهی که صحن‌اش پس از چندین سال، مدفن و مزار وی شد (ایمانی، ۱۳۸۲، ص۸۰). روزگاری که شیخ شهاب‌الدین اهری در آن می‌زیست ـ و بطور واقع‌تر و وسیع-تر نیمه دوم قرن ششم تا اوایل قرن هشتم هجری قمری ـ مقارن با دوران شکوفایی تصوف و اوج آن در منطقه آذربایجان بود و "در این دوره [در مکتب عرفانی تبریز] با ظهور چهره‌هایی مواجه می‌شویم که همه از آشنایان عالم معنی و سلسله جنبانان عشق و معرفت‌اند" (موحد، ۱۳۸۱، ص؟). شیخ شهاب‌الدین ضمن آنکه خود چهره‌ای ممتاز و اثرگذار در این عرصه عرفانی بود، عرفای زیادی را نیز تربیت نمود؛ از مریدان و نیز متعلمین مستقیم و غیر مستقیم وی می‌توان به شیخ جمال‌الدین تبریزی، شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی اشاره نمود، مشایخی که هر یک منزلتی بس رفیع در عرفان ایرانی دارند(۴). البته باید اذعان نمود این مجموعه خانقاهی در روزگاری پدید آمد که تصوف، مبارزه برای احراز حق حیات در جامعه ایرانی را به ثمر رسانیده و «طریقت» توانست در امتداد «شریعت» وجاهت خود را نمایان سازد.

## ۴- موضوع تصوف و تاثیر افکار عرفانی شیخ شهاب‌الدین در عصر خویش

نهضت تصوف، تقریباً از نیمه دوم قرن دوم با ظهور عده‌ای از صوفیان مشهور مانند ابراهیم ادهم(۱۶۰ه.ق)، فضیل عیاض(۱۸۷ه.ق) و دیگران پایه‌گذاری شده و در قرن سوم، مسلکی معروف و مشخص و ممتاز گردید(کیانی، ۱۳۶۹). به طور کلی، تصوف اسلامی پس از پشت سر گذاشتن مراحل اولیه، در طول قرون سوم و چهارم هجری به طور مشخص در جهت ایجاد و تحکیم پایه‌های نظری خود گام برداشت و به مرحله رشد و کمال رسید. در نتیجه چنین تکاملی، اهل تصوف به شکل فرقه‌ها و احزاب متعدد درآمده و هر یک تحت راهنمایی مرشد و شیخی قرار گرفتند. این مسئله نیز خود باعث تکامل سازمان اجتماعی تصوف و پیدایش طریقت‌ها و خانقاه‌ها در سراسر جهان اسلام گردید(غنی، ۱۳۸۶: ۴۷). در این اثناء و در زمان حیات شیخ شهاب، با توجه به شدت پراکندگی مردم از لحاظ اجتماعی و افکار سیاسی و رکود اقتصادی که در کلیه شؤن کشور پدید آمده بود، تعالیم عالیه عرفانی و افکار فیلسوفانه فضلای ایرانی و مبتکرین این مرز و بوم، راه برون رفت از این همه تشتت را فراهم و روش نوین و متین و در عین حال علمی و عملی را به پیش کشیده و با استفاده از محیط بی‌شائبه خلوتکده‌ها و خانقاه‌ها به تعلیم مردم همت گماشتند. از ملاحظه سلسله الخلفاء شیخ شهاب‌الدین و نیز در نظر گرفتن جایگاه عرفانی وی، چنین مستفاد می‌شود که در بین صدها طالب راه حق و طریقت، با توجه به مرشدی سه شاخه صوفیگری در منطقه یعنی خلوتیه، بایرامیه و مولویه توسط وی(کاشفی، ۱۳۴۲)، تعالیم عرفانی وی در ایجاد اتحاد و بقای یگانگی مردم به لحاظ اجتماعی و در حوزه‌های عرفانی، سیاسی، دینی و غیره در گستره منطقه‌ای محل زندگی خود، امری غیرقابل انکار می‌باشد(۵).

---

۱ـ درباره این نیاز که مرحله‌ای از مراحل سلوک صوفیانه است، دکتر سید حسین نصر می‌نویسد: "هیچ سلوک معنوی معتبری بدون دست‌گیری مرشد و راهنما تحقق نمی‌پذیرد و یقیناً تصوف نیز از این قاعده عام مستثنی نمی‌باشد[.....] (نصر، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

۲ـ رکن‌الدین ابوالغنائم محمد سجاسی از کبار مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری‌قمری بود که تعدادی از مشایخ مشهور صوفیه در آن روزگار مانند شمس‌الدین تبریزی، اوحدالدین کرمانی، اصیل‌الدین محمد شیرازی و شهاب‌الدین محمود اهری از تربیت‌یافتگان و مریدان وی بوده‌اند (وفایی، ۱۳۷۵. ص۱۰۴ و ص۱۱۷).

۳ـ «محمدامین حشری تبریزی» صاحب کتاب «روضه‌اطهار» در این خصوص می‌نویسد: "شیخ شهاب‌الدین به فرموده شیخ رکن‌الدین در اهر ساکن گشته تا آخر عمر به ارشاد و هدایت عبادالله قیام می‌نمود" (حشری تبریزی، ۱۳۷۱، ص۱۴۶).

۴ـ ر.ک به: کتاب روضات‌الجنان و جنات‌الجنان، صص۲۵۱ـ۲۵۰، ذیل سلسله شیخ صفی‌الدین اردبیلی

۵- برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: نصر، سیدحسین(۱۳۸۲)، آموزه‌های صوفیان؛ از دیروز تا امروز، ترجمه حسین حیدری و محمدهادی امینی، انتشارات قصیده‌سرا، تهران

## ۵- مکان‌یابی

در رابطه با مکان‌یابی خانقاه و اینکه در خارج از محیط شهری و جدا از روند توسعه شهرسازی می‌باشد، با در نظر گرفتن این نکته که در جنوب شهر اهر و در مکانی مشرف به شهر جای دارد؛ اخص دلایل گزینش چنین مکانی جهت ساخت خانقاه می‌تواند این‌گونه توجیه شود: ۱. شناختن خانقاه در مدخل شهر برای مسافران و صوفیان، آسان‌تر بود(صراف، ۱۹۷۳: ۱۱۰). ۲. سالکان خواستار گوشه–ای آرام و خلوت و فضایی معنوی و روحانی بودند و خانقاه به سبب فعالیتی که در آن منظور بود، بایستی در نقطه‌ای دور از غوغای عام به وجود می‌آمد و اعمال صوفیان دور ازدید افراد کنجکاو و صوفی‌ستیزان و تردد و توقف افراد متفرقه به دور می‌بود(کیانی، ۱۳۶۹: ۱۳۲). ۳. یکی دیگر از علت‌ها هم، درگیری صوفیان با برخی از گروه‌های دیگر بود که با ساختن کانون خانقاهی در مرکز شهر مخالفت می‌شد. ۴. یکی دیگر از موجباتی که سبب ساختن خانقاه در بیرون شهر می‌شد، آن بود که با زیاد شدن تعداد مریدان و فراوانی مسافران، امکان گسترش ساختمان به هر نسبتی وجود داشت(همان، ۱۳۲)(جدول شماره۱).

## ۶- پیشینه مختصر تحولات کالبدی مجموعه

همانگونه که پیشتر ذکر آن رفت، شیخ برای بسط و نشر آرای عرفانی خویش، در این مکان ترتیب بناهایی را داده بود؛ بناهایی که بعداً دستخوش تغییراتی شده‌اند(۱). لکن در راستای شناخت سیر تحول، چهار دوره تاریخی برای بنا پیشنهاد می‌شود(کبیرصابر، ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۵). معیارهای مورد استفاده در این دوره‌بندی، اصول ساختاری معماری، اسناد تاریخی، دست‌نوشته‌های تاریخ‌دار و نویافته‌های باستان‌شناختی، تقدم و تأخر قرارگیری ساختار و ارتباط با کف‌های قدیمی می‌باشند. دوره‌های تاریخی بنا(جدول شماره۲):

*دوره اول(هسته اولیه): قرن ششم هجری تا اوایل قرن هفتم هجری(عهد ایلخانی)*
*دوره دوم(احداث مهجر سنگی): اواخر قرن هفتم هجری تا اواسط قرن هشتم(عهد ایلخانی)*
*دوره سوم(احداث گنبدخانه): اواخر قرن هشتم هجری تا اوایل قرن نهم هجری(عهد تیموریان)*
*دوره چهارم(احداث مسجد و حجره‌های جنوبی صحن): اوایل قرن یازدهم هجری(عهد صفوی)*

## ۷- جایگاه مجموعه در سیر تحولات آئینی جامعه ایرانی

خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری در قرن هفتم هجری‌قمری به سبب تأثیر وجودی شیخ، یکی از پایگاه‌های عمده تصوف در آذربایجان محسوب می‌شد؛ و آنچه بر اهمیت این خانقاه می‌افزود، ارتباط دائمی آن با شهر تبریز بود؛ شهری که سنت‌های عرفانی ریشه‌داری داشت و در آن دوران به سبب تجمع مشایخ، یکی از مهم‌ترین محیط‌های عرفانی ایران به حساب می‌آمد (موحد، ۱۳۸۱، ۴۴). لیک، بر اساس سهم و نقش مذهب در توسعه معماری ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، سه دوره زمانی جهت بررسی، مورد توجه قرار گرفته است.

### ۷-۱- عصر ایلخانی

جامعه ایران و عرصه سیاسی آن در دوران حکومت ایلخانان مغول، تحولات مذهبی متعدد و گاه مهمی را از سر گذراند. با روی کار آمدن ایلخانان در عرصه کشورداری در ایران، مذهب رسمی و مورد حمایت طبقه حاکم مذهب وافق بر اهل سنت بود. با این حال آنچه در توسعه کالبدی مجموعه شیخ شهاب در این دوران از نقطه نظر تحولات آیینی، مهم به‌شمار می‌آید؛ ارتباط نزدیک آئین تصوف با مذهب رسمی طبقه حاکم در ایران (تسنن) بود. که از این جستار و با توجه به نوع آموزه‌های صوفی‌گرایانه شیخ، تکریم مقام اجتماعی و عرفانی وی از سوی دستگاه حکومت امری قابل انتظار و مقبول در میان اهل علم می‌نمایاند.

---

۱ـ البته درباره این نظر، از سر باریک‌بینی می‌توان تردیدهایی را نیز پیش کشید: بطور مثال این‌که آیا بناهایی ـ هر چند محقر ـ پیش از اقبال شیخ به این مکان، در محوطه وجود داشته‌اند؟ و ... این تردیدها که در غیاب مدارک کافی بروز می‌نمایند، شاید زمانی برطرف شوند که کاوش‌های هدفمند و روش‌مند باستان‌شناسانه در محوطه به عمل آید.

**جدول ۱- موقعیت استقرار مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در حومه جنوبی شهر اهر و تحلیل پلان**

**تصویر۱- موقعیت استقرار مجموعه در محدوده شهر در عهد صفوی. (مأخذ: نگارندگان)**

**تصویر۲- موقعیت استقرار مجموعه شیخ شهاب در دوره قاجاریه نسبت به شهر. (مأخذ: نگارندگان)**

**تصویر۳- موقعیت استقرار مجموعه شیخ شهاب در جنوب شهر اهر.**
(مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۳۵.)

**تصویر٤: تصاویر مجموعه شیخ شهاب در اواخر دوره قاجار، مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان**

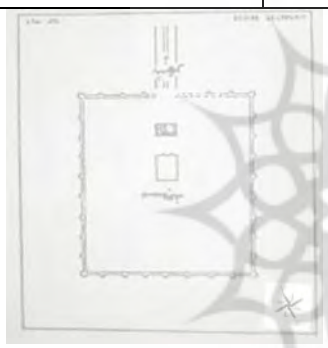

**تصویر٥ : نقشه حصار و محوطه مجموعه. مأخذ: گزارشهای هیئت باستان‌شناسی آلمانی۱۹۷٤**

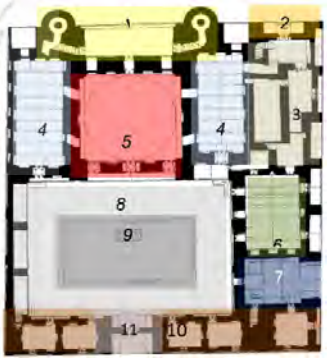


۱. ایوان شمالی و مناره‌ها
۲. ورودی
۳. خانقاه
۴. دهلیزها
۵. گنبدخانه
۶. مسجد
۷. ایوان شرقی
۸. صحن مجموعه
۹. حصار سنگی
۱۰. حجره‌ها
۱۱. ورودی جنوبی

**تصویر ٦- بخش‌های مختلف ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، مأخذ: نگارندگان**

۱. اشکوب دوم خانقاه
۲. اشکوب دوم حجره‌ها

**تصویر ۷- نقشه اشکوب دوم مجموعه شیخ شهاب.مأخذ: نگارندگان**

**جدول ۲: فضاهای متعلقه ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری**

| | |
|---|---|
| ۱. بنیاد اولیه، بخش شرقی؛ شامل خانقاه اولیه شیخ شهاب‌الدین که دارای مطبخ، چله‌خانه و اتاق زندگی شیخ می‌باشد. | |
| ۲. الحاقات عصر ایلخانی؛ حصار سنگی دور مقبره بصورت مستطیلی به طول ۱۵/۱۵ متر و عرض ۷/۷۵ متر در مرکز صحن به ابعاد ۱۶,۹۰ × ۲۴,۱۵ متر کشیده شده که با نقوش اسلیمی و هندسی(کنگره‌دار) بصورت مشبک حجاری گشته و از این حیث جزو شاهکارهای حجاری دوره اسلامی محسوب می‌شود. | |
| ۳. الحاقات عصر تیموری؛ ایوان شمالی دارای تاق جناقی به ارتفاع حدوداً ۱۸متر، که در جناحین آن ایوان‌های-کوچک با تاق‌نمای آجری و چفدآویز به همراه خطوط برجسته آجری قرار دارند (طباطبایی،۱۳۸۴: ۴۶). لچک-های بالای تاق‌نماها شامل کاشی‌های برجسته می‌باشد که قسمت اعظم آن ریخته است. دو مناره به ارتفاع ۱۸متر در جوانب ایوان و بصورت چسبیده به آن قرار دارند که با آجر لعاب‌دار فیروزه‌ای ـ به سبک مرسوم در شیوه آذری ـ پوشیده شده است. همچنین گنبدخانه فضایی مربعی شکل در زیر گنبدی تک پوسته به ارتفاع ۱۸متر که هر ضلع آن ۱۱/۲۰ متر می‌باشد و در اصطلاح محلی به قوشخانه معروف است. در طرفین آن اتاق‌هایی به ابعاد ۶/۳۰ ×۹/۶۰ متر به‌صورت قرینه ساخته شده‌اند که به چینی‌خانه معروف شده است. | 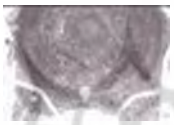 |
| ۴. الحاقات عصر صفوی؛ مسجد به ابعاد (۶,۹۰×۹,۳۰ متر) به همراه دو اتاق جانبی، واقع شده است که با تاق «خوانی‌مرکب» و مقرنس‌کاری کنج‌ها و خوانچه‌ها و نغول‌های منقوش یک بنای مزین و کاملی را نشان می‌دهد(طباطبایی،۱۳۸۴: ۴۸). همچنین در ضلع جنوبی صحن (طرفین قبله) حجراتی در دو طبقه ساخته شده است. در همکف چهار حجره (۳/۹ × ۳ متر) و در اشکوب دوم همان تعداد با ابعادی کوچکتر (۳/۴× ۲/۸۵ متر) با پوشش تاقی شکل ساخته شده است. | |

**تصویر ۸- فضاهای تشکیل دهنده ارسن شیخ شهاب. بالا: دید شمالی، پایین: دید جنوبی ارسن. مأخذ: نگارندگان.**

## ۷-۲- عصر تیموری

در نتیجه علاقه‌مندی فرمانروایان تیموری به دین و حمایت آنان از بزرگان دین، مطالعات و مباحثات دینی، رواج بسیار یافت و عده کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد می‌شدند فزونی گرفت. با آنکه تیموریان خود اهل تسنن بودند، پیروان سایر مذاهب به خصوص شیعیان را در اعتقادات خود آزاد می‌گذاشتند. در این عهد فرقه‌های مذهبی و صوفیه آزادانه به ترویج عقاید خود می-پرداختند. بعضی از امیران تیموری نیز به این فرقه ها تعلق خاطری داشتند؛ مانند ارادت تیمور و شاهرخ به شاه نعمت الله ولی. حال در این شرایط و با توجه به منزلت مسلک صوفی‌گری در نزد حاکمان و دستگاه حکومتی، مجموعه شیخ شهاب به واسطه آموزه-های صوفی‌گرایانه شیخ و نیز وجود مریدانی که خود را پایبند به اصول عرفانی وی می‌دانستند، پاسداشت مقام شیخ و تکریم جایگاه عرفانی وی از طریق توجه و رسیدگی به مزار و توسعه کالبدی خانقاه امری ملموس به نظر می‌رسد.

## ۷-۳- عصر صفوی

نیای بزرگ صفویان (شیخ صفی‌الدین) از مریدان شیخ شهاب در عالم تصوف، خود از رهبران طریقه‌ای از سلاسل مسلک تصوف در عهد خویش بود(زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۲۳۰). لیکن شاه اسماعیل صفوی پس از تسلط بر کشور و استقرار حکومت خویش، ترویج و اجرای مذهب شیعه اثنی‌عشری را از اهداف عالیه خویش قرار داد(تربیت، ۱۳۱۴: ۲۰۹). همچنین در این میان به اقتضای

شرایط اجتماعی، مسلک تصوف در آرمان خود تغییر جهت داده و فعالیت‌های عرفانی برخی از سلسله‌های صوفیه به نهضت‌های سیاسی و حکومت‌طلبی تبدیل شده بود. با این اوصاف دلایل و عواملی که در ترتیب و به سامان نمودن عمارت عالیه شیخ شهاب آن هم در عهد صفوی مؤثر واقع گردیده، می‌توان چنین برشمرد، که ذات تعلیمات صوفی‌گرایانه شیخ در عصر خویش و نیز دنباله-روی مریدانش از اندیشه‌های معنوی وی در ادوار بعدی، با پرهیز از جهت‌گیری‌های سیاسی، جنبه کاملاً عرفانی داشته و به نوعی در راستای منویات مذهب تشیع و دارای زمینه‌های مشترک فراوانی با تشیع بوده است. که ثمره بذل این توجهات، مؤید استمرار کالبدی مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در عصر صفوی شده است.

## ۸- هنر و مضامین عرفانی در آرایگان مجموعه

هنر به معنی عام و اصیل، لفظ حکمت معنوی است. این حکمت معنوی است که به هنر به معنی خاص آن، نظیر خطاطی، نقاشی، معماری و صنایع مستظرفه بطور عام، روحانیت و معنویت و جان می‌بخشد.

### ۸-۱- هنر خطاطی

خطاطی تنها هنری است که مستقیم و بی‌واسطه کلمات خداوند را به نمایش می گذارد و حقیقت اسلام را متجلی می‌سازد. کتیبه‌نگاری از هنرهای شاخصی است که در این مکان بکار گرفته شده است. اسماء متبرکه و احادیث دینی، شرح تعمیر مجموعه و شرح احوال افراد در حین سکونت در مجموعه به شکل دستنویس‌ها عمده مضامینی هستند که در کتیبه‌ها به چشم می‌خورند. حضور آیات قرآنی با خط ثلث در این بنا بر روی زمینه سفید با متنی مشکی چشمگیر است. دلیل این انتخاب را می‌توان هماهنگی آن با عرفان اسلامی دانست که به این طریق صورت دیداری قرآن را در سطوح بناها با جلوهی خاص به معرفی مشاهده اهل دل می‌گذارند. همچنین، اشعار و ابیات بکار رفته در دیوارنگاره‌ها، علاوه بر موزون بودن قالب، مضامین آنها بیانی عرفانی از تجلی چنین بنایی و به عبارتی حکمت معماری و تزیینات به‌کار رفته در آن را نیز به صورت زیبا از زبان هنرمندان هر دوره تبیین می-کند(جدول شماره۳).

**جدول ۳- دست‌نوشته‌های موجود در مجموعه**

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| **تصویر ۱۱- دست-نوشته موجود در اتاق شخ به تاریخ ۹۰۲ ه.ق، مأخذ: نگارندگان** | **تصویر ۱۰- متن منسوب به مصطفی قلی‌خان در جانب شمالی دیواره مسجد، مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجانشرقی** | **تصویر ۹- محل دست‌خط منسوب به شیخ بهایی در جانب شرقی محراب مسجد با مضمون: بسم الله الرحمن الرحیم،به تاریخ ثالث عشر شهر شعبان المکرم ( المبارک ) سنه ۱۰۱۸ به زیارت این مزار فایض الانوار مشرف شدیم. و از مصحف که وقف مزار مزبوره است تفال واقع شد که مرتبه شیخ شهاب‌الدین علیه التحیه و الرضوان در درگاه الهی چه مقدار باشد. این آیه کریمه بفال آمد « یبشرهم ربهم برحمته منه و رضوان ». الحقیر المذنب محمد علی عنه. (مأخذ: میراث فرهنگی آذربایجانشرقی)** |

### ۸-۲- هنر گره‌چینی

با در نظر داشتن گسترش هم‌زمان جریان‌های فکری و عرفانی در قرون اسلامی، می‌توان با تعمقی پیرامون هنر اسلامی، حقایق معنوی آن را شناخت و بیان نمود. زیرا ارتباط گسترده‌ای بین هندسه و طریقت به اثبات رسیده است. نکته ای که برخی

محققان هنر اسلامی آن را در یافته‌های خود بیان نموده‌اند(اعوانی، ۱۳۷۵). بنابراین هنرمندان مسلمان جهت نمود ساختن اندیشه ها و نظرات عرفانی در هنر علاوه بر بعد اعتقادی سه وسیله در اختیار دارند:

هندسه: که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد.

وزن: که وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیر مستقیم در فضا نمودار می‌سازد.

روشنایی: که نسبت آن با شکل‌های قابل رویت مانند وجود مطلق است به موجودات محدود. روشنایی در واقع به خودی خود دیدنی نیست. همان‌گونه که لاوجود شناخته نمی‌شود مگر در قیاس با متضادش، یعنی وجود تاریکی هم به دیده نمی‌آید. مگر اینکه ضدش، روشنایی (توأم) باشد.

علت استفاده از اشکال هندسی خاص، در این است که رموز را نهفته در اشکال هندسی خاص می‌توان یافت، بنابراین یکی از راه‌های رسیدن به مقام متعالی‌تر می‌تواند ساخت مکرر این اشکال باشد. بزرگان این مسلک دریافته بودند که برای رسیدن به هر یک از مقامات ده‌گانه، ساخت مکرر کدام یک از اشکال هندسی لازم است. از این‌رو در هر یک از مقامات که آن را با یکی از طرح‌های تعریف شده گره‌چینی نشان می‌دادند چندضلعی‌هایی را با تکرار مشخص به کار برده‌اند که هر یک در خود رموزی نهفته دارد و صوفی با شهود به آن رموز می‌تواند به آن مقام دست یابد. به‌طور کلی گره‌چینی در این مجموعه، بسته به مکان و نوع کاربرد در دو نوع «مشبک» و«آلت و لقط» ساخته شده‌اند. بیشتر این آثار به صورت گچی در دیواره‌های داخلی مسجد ارسن کار شده است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که تزیینات و کاربرد آنها در راستای معرفت آن زمان که همان اعتقادات عرفانی می‌باشد، قرار داشته است. در کتاب اخوان‌الصفا مقامات سلوک در ده مرتبه دانسته شده که برای هر مرتبه آن ده ویژگی وجود دارد در این مورد خواجه عبدالله انصاری برای هر یک از ده مرتبه سلوک ده آیه یافت کرده که آن را محرز می داند(قمیر، ۱۳۶۳) و به همین دلیل عمدتاً در ابنیه ایلخانی و صفوی می‌توان به گره ده تند یا کند برخورد که گاهی به صورت گره‌چینی و گاهی به وسیله رشته‌های هندسی اجرا شده است. ده مرحله مذکور به این شرح قابل توصیف است[1]:

۱. آستانه ورود به تصوف
۲. راه ورود به تصوف
۳. برخورد با سایر عرفا
۴. فراگرفتن خلق و خو از سایر صوفیان و شکل‌گیری شخصیت
۵. آشنایی با آیین تصوف، فراخوانده شدن به بهترین خلق و خو و پدید آمدن معنای شخصیتی که ثمره او می‌باشد، واجب دانستن و دنبال کردن اصول صوفیه
۶. شخص با پرتگاه اخلاقی مواجه می‌شود که باید بر آن غلبه کند.
۷. رسیدن به سطح مراحل متنوع تصادفی روحی که باید به آن غلبه کند.
۸. مرحله قداست؛ حضور نیروهای روحی و رسیدن به تجمع بعد از جدایی، رسیدن به صفات حسنه انسانی و به دست آوردن آن برای برخورد با سایر عرفا
۹. فراگرفتن خلق و خو از سایر صوفیان و شکل‌گیری شخصیت
۱۰. بی توجه شدن به خود در خدای خویش و خود الهی جایی که کارهای او همگی رو به سو ی کمال مطلق دارد غرق می‌شود. مرحله حضور در راه خدای تبارک که هدف نهایی و یکی شد ن با خداوند تبارک است.

علاقه این دوره به عدد ۱۰ و گره ۱۰، که دارای یک شمسه تند یا کند در مرکز و چندین شکل ۳، ۵، ۶،۷ در مجاور آن وجود دارد مرحله دهم سلوک، مرحله هدف تصوف و عالی‌ترین مقام آن است(جدول شماره۴) .

۱ـ برای مطالعه بیشتر ن. ک . به: نورآقایی، ۱۳۸۷

جدول ٤- تناسبات هندسی و تزئینی مجموعه

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| تصویر۱٦: طرح شکل هندسی شش-پر، بالای ورودی ضلع شرقی، (مأخذ: نگارندگان) | تصویر۱۵: تقش گره‌چینی با شمسه ۱۰ پر در دیوار شمالی مسجد، (مأخذ: نگارندگان) | تصویر۱٤: تزیینات سقف، شمسه هشت‌پر، (مأخذ: نگارندگان) | 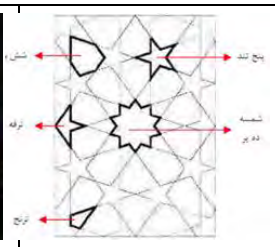 تصویر۱۳: طرح گره‌چینی دیوار مسجد و اجزای آن، (مأخذ: نگارندگان) | تصویر۱۲: گره-چینی چوبی داخل مسجد براساس نقش دوازده، (مأخذ: نگارندگان) |

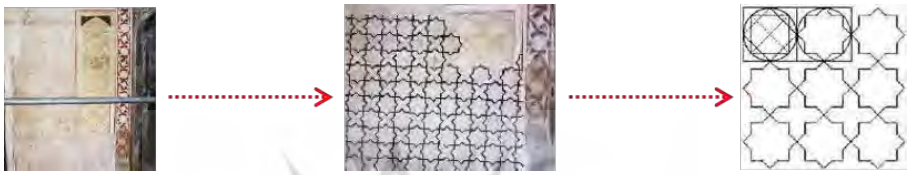

تصویر ۱۷: گره آلت و لقط براساس نقش هشت و چلیپا در دیوار جوار محراب مسجد، مأخذ: نگارندگان

## ۸-۳- تزیینات نقوش گیاهی

**الف-تزئینات ختایی:** این تزئینات که از طبیعت الهام گرفته شده است شامل شاخ و برگ و گلها هستند که ختایی نامیده می‌شود. یکی از موارد استفاده آن در بالای ورودی جنوبی بنا است که در آن از گلها بر روی تزئینات مورقی نهاده شده‌اند. رنگ گل‌های ختایی در ورودی ارسن، سفید بر روی مورقی‌های آبی فیروزه‌ای است. همچنین، در این لچکی آثاری از خرطوم فیلی نیز به‌چشم می‌آید. در جداره داخلی مسجد، ختایی به دو شیوه گچبری و نقاشی بصورت نقوش رنگی بر زمینه رنگی (لاجوردی و قرمز) اجرا شده است. نقوش ختایی گچبری مسجد در محراب و شومینه مسجد به صورت حاشیه در امتداد یک ساقه بدون واگیره به‌کار رفته است. نقش‌بندی از دیگر نقوش بکاررفته در مسجد است که از آن در بخش پایینی سطوح دیواره‌ها استفاده شده است. این نقش بعدها دستخط عالمان و زائران فراوانی را در میان خود جای داده است (جدول شماره۵) .

جدول ۵- تزئینات نقوش گیاهی مجموعه

| | | | |
|---|---|---|---|
| تصویر ۲۱- نقش‌بندی دیواره شمالی مسجد، (مأخذ: نگارندگان) | تصویر ۲۰- تزیینات گیاهی گچبری محراب مسجد (مأخذ: نگارندگان) | تصویر ۱۹- تزیینات گیاهی نقاشی شده در مسجد (مأخذ: نگارندگان) | تصویر ۱۸- تزیینات گل‌های ختایی همراه با مورقی در کاشی‌کاری ورودی ضلع شمالی ارسن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری، (مأخذ: نگارندگان) |

### ۸-۴- محجره سنگی

محجره سنگی با ایجاد فضایی محصور، حریمی با حجاب و خصوصی به حظیره(قبر) شیخ شهاب‌الدین بخشیده است. این عنصر که در کالبد پرده‌ای مابین معماری رفیع مجموعه و حظیره است، در عالم معنا پرده‌ای مابین هوای نفسانی بلند پرواز و تواضع خاکی و زمینی از برای انسان تلقی می‌شود، که با حضور در آن فضای محصور، به دعا و نیایش با معبود خویش می‌پردازند. آرایه-های به‌کار رفته در کالبد این محجره کاملاً سنگی، عبارت است از مشبکی که با دو شیوه قابقابی افشان (دو طرح) و گره‌چینی بر روی پایه‌ای اجرا شده و در امتداد آن در ردیف پایانی مقرنسی بی‌نظیر دارد. مقرنس موجود شامل دو بخش عمده است که محرابی و قلمدانی نامیده می‌شوند(جدول شماره۶).

**جدول ٦- تزئینات حصار سنگی گرد حظیره شیخ شهاب**

**تصویر ۲۲- بخشی از محجره سنگی به همراه طرح قابقابی تزئینات سنگی آن، (مأخذ: نگارندگان)**

**تصویر ۲۳- طرح مقرنس محجره سنگی گرد قبر شیخ شهاب، (مأخذ: نگارندگان)**

## نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل محتوای متون تاریخی، استنباط از شیوه‌های شکل‌گیری فضا در معماری دوره اسلامی ایران علی الخصوص، خانقاه‌ها، آرامگاه ها و مجموعه‌های شهری، رهیافت و تحلیل معماری فضایی آثار بر جای مانده در ارسن مجموعه شیخ شهاب-الدین، نشان‌دهنده آفرینش مجموعه‌ای با مدیریت معمارانه بسیار منظم و کارآمد است. مجموعه مذکور عملکرد مرکبی داشته که برای هر فعالیت محل مناسبی پیش‌بینی شده بود. در این میان، معماران دوره ایلخانی تا صفوی مجموعه شیخ شهاب را با هندسه و تزئیناتی خاص بنا نهاده و با تزئینات ظریف و دقیقی آراسته‌اند که عرفان و مفهوم آن زمان و احوال شیخ را به دیدگان ناظر می-رساند. نکته قابل توجه این است که هنر دینی کار شده در این مجموعه می‌تواند ابزاری برای گسترش خیر و نیکی به حساب آید که در جهت بسط روحیه دینی، مفاهیم ارزشی انسانی، اخلاق و سیره نبوی و انسانیت گام برداشته است که بسط دهنده تمامی اموری است که به زندگی انسان در پهنه هستی روحی تازه و ناب بخشیده و ترجمانی از غربت انسانی در جهت نیل به سر منزل مقصود می‌باشد. در این مجموعه به ظن قوی هنرمند سعی داشته، حقایقی را که ادراک نموده با مضامین عرفانی مترتب نموده و عینیت بخشد.

## منابع


- ابن‌کربلایی، حافظ حسین (۲۰۰۴)، روضات‌الجنان و جنات‌الجنان، تصحیح محمدامین سلطان‌القرایی، انتشارات ستوده، تبریز.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) ، هنر تجلی جمال الهی، انتشارات گروس، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۲۰۰۵)، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۲۰۰۸)، معماری ایرانی، تألیف و تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش، تهران.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال (۲۰۰۵)، آثار باستانی اهر (ارسباران)، ناشر مولف، تبریز.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۹۷۱)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، انتشارات امیرکبیر ، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۹۹۶)، از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حشری تبریزی، محمدامین (۱۹۹۲)، روضه‌اطهار، به تصحیح عزیز دولت آبادی، انتشارات ستوده، تبریز.
- دیباج، اسماعیل (۱۹۵۵)، راهنمای آثار تاریخی آذربایجان‌شرقی، چاپخانه شفق، تبریز.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۷۵)، دهکده صخره‌ای اباذر در شهر نیر، مجله اثر، شماره ۲۶.
- رسایل جوانمردان (۱۹۷۳)، مشتمل بر هفت فتوت نامه، به اهتمام مرتضی صراف، چاپ تهران، لنستیتو فرانسه، قسمت ایران شناسی،
- فراست، مریم (۲۰۰۶)، هم‌نواختی کتیبه و نقوش هندسی در بناهای اصفهان عصر صفوی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره۵.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۳)، بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری نمونه‌یی از بناهای عصر صفوی، مجله یغما، شماره ۳۰۸.
- کبیرصابر، محمدباقر، ابراهیمی، محمدرضا(۱۳۹۲)، بازشناسی تاریخی تحوّلات معماری در مجموعه شیخ شهاب‌الدین محمود اهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره۱۲
- کیانی، محسن (۱۹۹۰)، تاریخ خانقاه در ایران، انتشارات طهوری، تهران.
- محمدکاظم بن محمد تبریزی (۱۹۹۹)، منظرالاولیاء؛ در مزارات تبریز و حومه، تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- مرتضوی، منوچهر (۱۹۵۷)، «تصوف در دوره ایلخانیان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره چهل و دوم.
- مشکور، محمدجواد (۱۹۷۰)، نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- موحد، صمد (۲۰۰۲)، صفی‌الدین اردبیلی؛ چهره اصیل تصوف آذربایجان، انتشارات طرح نو، تهران.
- موحد، محمدعلی (۱۹۹۶)، شمس تبریزی، انتشارات طرح نو، تهران.
- نصر، سیدحسین (۲۰۰۳)، آموزه‌های صوفیان؛ از دیروز تا امروز، ترجمه حسین حیدری و محمد هادی امینی، انتشارات قصیده‌سرا، تهران.
- نورآقایی، آرش (۱۳۸۷)، عدد، نماد، اسطوره، انتشارات نقد افکار، تهران.
- وفایی، محمد (۱۹۹۶)، احوال و آثار اوحدالدین کرمانی، انتشارات ما، تهران.
- ولی‌قلی بن دادو قلی شاملو (۱۹۹۲)، قصص الخاقانی، با تصحیح و پاورقی دکتر سید حسن سادات ناصری، ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج۱، تهران.